

رئیس‌جمهور برای مسئلهٔ آب جلسهٔ همفکری تشکیل داد

استادان دانشگاه به پزشکیان چه گفتند؟



زینب مزرقی خبرنگار گروه جامعه

بالاخره تابستان سختی که کارشناسان آبی هشدار می دادند، رسید. براساس آخرین گفته‌های عیسی بزرگزاده، سخنگوی صنعت آب اکنون ۵۰ شهر و ۲۴ استان کشور دارای تنش آبی هستند که شهرهای اصفهان، اراک، ساوه، تبریز، بانه و بندرعباس علاوه بر تهران در پیشانی تنش آبی قرار دارند. همچنین بزرگ‌زاده عنوان کرده بود که درصد پرشدگی سدهای تهران ۲۱ درصد است و اگر مدیریت مصرف نشود بر رفاه مردم در تهران و البرز تأثیر منفی خواهد داشت. بزرگ‌زاده همچنین روز گذشته گفته بود هیچ برنامه قطعی برنامه‌ریزی شده آب در تهران در دستور کار نیست، اما افت فشار آب در شبکه برای توزیع عادلانه آب به‌طوری که اکنون تمام گستره کلانشهر تهران با یک فشار یکسان آب را دریافت می کنند، موجب شده در برخی مناطق که رشد یکباره مصرف آب به‌خصوص در زمان های پیک‌رخ می دهد، جریان آب کمتر شود و به‌خصوص اگر در طبقات بالاتر از دوم، ساختمانی پمپ و مخزن آب نداشته باشد، نرسیدن آب به این خانه‌ها محتمل است. «با وجود این سخن اما گزارش‌های مردمی حاکی از قطع چندساعته آب در برخی مناطق تهران است و ظاهراً مدیران آبی در وهله اول برای مدیریت آب اقدام به قطع آب از توزیع قطره‌چکانی آب کرده‌اند. اما باید دید ایده دولت برای برون‌رفت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت چیست و ایده دولت در مدیریت منابع آبی در ۸ هفته آبی چه چیزی است؟

یک دورهمی سیاسی با جلسه باکارشناسان مدیریت آب

رئیس‌جمهور، وزیر علوم و وزیر نیرو در روز یکشنبه در رابطه با وضعیت آبی کشور با برخی از چهره‌های دانشگاهی و پژوهشگران حوزه دیپلماسی آب جلسه‌ای داشته‌اند. چهره‌های دانشگاهی در این جلسه صنعت‌های مدیریت آب در کشور را بار دیگر برای رئیس‌جمهور شرح داده‌اند. به بیان ساده‌تر، دانشگاهیان در این جلسه توضیح داده‌اند که درد این بیمار ناشی از دل‌درد نیست؛ بلکه این بیمار دیگر مبتلا به سر طان است. اما بر اساس شنیده‌های «فرهیختگان»، استادان دانشگاه تهران در این جلسه هیچ راهکار و پیشنهادی برای برون‌رفت از وضعیت جاری نداشته‌اند و جمع‌بندی و ارائه راهکار را ملزم به این دانسته بودند که اگر رئیس‌جمهور به استادان دانشگاه تهران مأموریت بررسی و ارائه راهکار دهد، آن‌گاه راهکارهای مدیریت آبی‌شان را به هیئت دولت ارائه خواهند کرد. شنیده‌های «فرهیختگان» حاکی است این جلسه بیش از آنکه جلسه‌ای در جهت حل و هم‌اندیشی مشکلات آبی باشد، جلسه یا دورهمی سیاسی بوده است؛ چرا که مدیران آبی کشور هنوز وضعیت آبی کشور را در حالت اضطرار و بحرانی نمی‌بینند.



سیدعلیرضا طاهری خبرنگار

انتشار یک تصویر در روزهای گذشته تبدیل به یک صوژه فراگیر در شبکه‌های اجتماعی شد. دانش آموزی که دیگر در کلاس درس حضور نداشت دانش آموزانی که نه نهایت اندوه و ناراحتی بر نیمکت‌های درسی خود نشسته‌اند و به جای دوست شهید خود یعنی مجتبی شریفی خیره شده‌اند. مجتبی شریفی، فقط یک نمونه از هزار و صد قربانی بی‌گناهی است که آرزوهایشان با موشک‌های رژیم صهیونی به خاکستر تبدیل شد. مجتبی که تنها ۹ سال داشت، با چشمانی پر از امید به آینده می‌نگریست، طبق گفته معلمش، مجتبی در بخشی از دفتر کلاسی‌اش آرزوهایی را نوشته بود که با این اتفاق هرگز به واقعیت نخواهد پیوست. او دانش آموزی پرتلاش بود، با انرژی و شوقی که معلمش، مینا معینی این‌گونه از آن یاد می‌کند. اما جنگ، بی‌رحم‌تر از هر چیزی جان او و خانواده‌اش را گرفت. مادر و پدر مجتبی نیز در کنار فرزندان‌شان به شهادت رسیدند، پدر و مادری که شاید آرزوها و رویاهای مختلفی برای مجتبی داشتند؛ اما همه و همه در یک لحظه به تاریخ پیوستند. این تنها سرنوشت مجتبی نبود، در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه مشابه مجتبی شریفی زیاد پیدا می‌شوند. جنگ که شروع شود هیچ مرزی نمی‌شناسد، هیچ تفاوتی بین کودک و بزرگسال قائل نیست. تنها چیزی که می‌ماند، خاطراتی است که معلمی مانند مینا معینی سوگوارانه آن را حمل می‌کند. آتش جنگ که شعلور شود دیگر کوچک و بزرگ نمی‌شناسد، همه را در بر می‌گیرد. تا دیروز روایت شهادت کودکان غزه را از دور می‌شنیدیم؛ اما این بار داستان فرق می‌کند. روایت شهادت جان‌کاه کودکان به‌داستان مصوری در برابر چشمان تمام ایرانی‌ها تبدیل شده است، این بار این روایت با خون مجتبی شریفی آمیخته شده است. دانش آموز کلاس سسومی که بسیار پرتلاش و پرانگیزه بود و در کنار مادر و پدر خود قربانی ظلم دشمن صهیونی گردید.

مجتبی با ویژگی اخلاقی تکرارنشدنی

مینا معینی، معلم مجتبی در خصوص ویژگی‌های اخلاقی مجتبی شریفی و مادر او گفت: «واقعیت این است که مجتبی در خانواده‌ای که واقعاً با ایمان بودند رشد کرده بود. پدر و مادرش نمونه‌هایی از انسان‌های باایمان بودند، من خیلی با مجتبی و مادرش برخورد داشتم. مجتبی دانش آموزی پر از هیجان، پر از شور و نشاط بود که همیشه با انرژی سر کلاس حاضر می‌شد و به آموختن و یادگیری درس خیلی علاقه‌مند بود. مجتبی به خاطر بیماری تنفسی‌ای که داشت، بعضی از روزهای زمستان به مدرسه نمی‌آمد؛ اما این غیبت‌ها هرگز باعث نشد که او از درس آموختن یا تکالیف خود کوتاهی و یا غفلت کند. مادرش نیز پیگیری می‌کرد و از طریق برنامه ششاد با من همیشه در تماس بود تا بلدند چه درسی را پیش بردیم و کجای کتاب هستیم. خود مجتبی هم با علاقه درس را پیگیری و تکالیفش را انجام می‌داد. مجتبی معمولاً زودتر از دانش آموزان دیگر می‌آمد و تکالیف را به من نشان می‌داد. مجتبی از لحاظ اخلاقی نیز واقعاً مهربان و دلسوز بود. با دوستستانش بسیار خوب برخورد می‌کرد، رابطه خوبی با آن‌ها داشت، با دوستانش بازی می‌کرد و می‌خندید.»

خدا خدا می‌کردم تا این خبر کذب باشد

موشکی که بر زمین اصابت می‌کند نه‌سن و سال می‌شناسد و نه از اعتقادات افراد می‌پرسد. موشک که اصابت می‌کند جان‌ها را با خود می‌برد. مجتبی ۹ ساله با

تأمین آب تهران تکمیل شود. آیا نمی‌شد همین بودجه را برای مدیریت مصرف اختصاص داد؟ ما اکنون در شرایطی هستیم که هیچ توجهی به مدیریت مصرف نداریم. اصلاً مدیریت مصرف یعنی چه؟ یعنی بیایم مثلاً آب فضای سبزی که شهرداری تهران مصرف می‌کند (حدود ۱۲۰ میلیون مترمکعب در سال) را ساماندهی کنیم، درحالی‌که تعداد زیادی از چاه‌ها می‌توانند برای مصارف دیگر مانند تأمین آب شرب مناسب‌سازی شوند. تبدیل آن‌ها به منابع پساب برای آبیاری فضای سبز هم مصوبه دارد و هم بستر قانونی‌اش فراهم است؛ اما برداشت از آب زیرزمینی متوقف نشده و کاری در این خصوص صورت نگرفته است.»

شرکت‌های خصوصی

باید مسئولیت اجتماعی‌شان را آغاز کنند

وی ادامه داد: «اولین اقدامی که باید صورت گیرد، این است که شرکت‌های خصوصی مسئولیت اجتماعی‌شان را روی موضوع آب متمرکز کنند. این دیگر قطعی است. حتی می‌توانیم مصوبه داشته باشیم؛ همان‌طور که وزارت نفت سال‌ها پیش مصوب کرد شرکت‌های نفتی در مناطق نفت‌خیز، مسئولیت اجتماعی‌شان را بر توسعه آن مناطق متمرکز کنند. در حوزه آب نیز باید الزام قانونی ایجاد شود که شرکت‌ها به سمت راه‌اندازی کمپین‌های آبی بروند.»

باید خلاقیت تعرفه داشته باشیم

فصیحی‌هرندی افزود: «ما باید خلاقیت تعرفه‌داشته‌باشیم، مثلاً به‌خانوار بگوییم شما ۳۰۰ کیلووات‌ساعت برق یا ۱۸ متر مکعب آب سهم دارید (مطابق الگوی مصرف مصوب). اگر بیش از این مقدار مصرف کردید، باید مازادش را خریداری کنید، مثلاً اگر مصرف برق بالای ۶۰۰ کیلووات‌ساعت رسید، قیمتش از تعرفه فعلی (مثلاً ۱۵۰۰ تومان) به ۱۵ هزار تومان برسد. در این حالت، خانوار حساب می‌کند که مثلاً اگر روزانه ۲۰۰ لیتر آب برای هر نفر مصرف می‌کرده، خانواده‌ای سه‌نفره می‌شود روزانه ۶۰۰ لیتر، یعنی ماهانه حدود ۱۸ متر مکعب. اگر از این بیشتر مصرف کند، باید مازادش را با قیمت بالا بخرد. در نتیجه، هزینه‌ها در ذهنش محاسبه می‌شود و صرفه‌جویی به‌صورت واقعی اتفاق می‌افتد.»

سه‌میه‌بندی را باید به شیوه‌های نوین اجرا کنیم

وی گفت: «اگر می‌خواهیم سه‌میه‌بندی آب را اجرا کنیم (که باید هم انجام شود) باید این کار با روش‌های مدرن و به‌روز جهانی انجام شود. مثلاً شهر فنیپکس در ایالت آریزونی آمریکا که بارندگی بسیار کمی دارد، سال‌هاست از روش‌های نوین برای مدیریت منابع آبی استفاده می‌کند. سؤال من این است که چرا ما حاضر نیستیم منظر سبز شهری‌مان را تغییر دهیم؟ چرا همچنان در فضای سبز تهران، فواره‌هایی داریم که در گرمای ۴۵ تا ۴۰ درجه تهران، برای چمن‌ها آب‌پاشی

روایتی از شهادت مجتبی شریفی، دانش آموزی که جایش درکلاس درس تا ابد خالی است

آرزویی که خاموش شد



موشک اصابت می‌کند و همگی به شهادت می‌رسند.»

دوستان مجتبی جای خالی او را باور نکردند

معینی از لحظه‌ای می‌گوید که اولین بار دوستان‌و هم‌کلاسی‌های مجتبی به کلاس درس آمدند تا روایت درسی‌ای را که از مجتبی آموخته بودند، ارائه دهند. این بار موضوع روایت، یک سوزخ انتزاعی نبود؛ این بار آنان باید از جای خالی معینی سخن می‌گفتند و بهترین ارائه‌شان را از درس‌هایی که از او آموخته بودند، ارائه می‌کردند. به نظر معینی، امکان توصیف این صحنه در قالب کلمات ممکن‌پذیر نیست؛ گاهی باید فقط خیره شد و چیزی نگفت. او با سختی، آنچه بچه‌ها دیدند را این‌گونه روایت کرد: «حدود یک ماه از این اتفاق می‌گذرد، با این وجود، زمانی که بچه‌ها به مدرسه آمدند تا در باره‌ی مجتبی مصاحبه کنند، یک حس غریبانه‌ای بیش‌از حد، در کلاسی که از آن‌ها مصاحبه‌شد، می‌جانی که باید درون‌شان می‌بود، نبود. به‌نیکت خالی مجتبی نگاه می‌کردند و انگار این حادثه برایشان سنگین بود. نمی‌توانستند بپذیرند که مجتبی دیگر در میانشان نیست. توصیف آن لحظه بسیار دشوار است. چهره دوستان مجتبی را فقط باید در آن لحظه می‌دیدید؛ دانش آموزان با چهره‌ای پر از اندوه و گرفته روی نیمکت‌ها نشستند. دیگر شور و نشاط و آن هیجان در چهره هیچ‌کدامشان دیده نمی‌شد.»

مادر مجتبی چراغ راه بچه‌ها بود

مادر مجتبی اما قصه‌ای متفاوت دارد. او ارتباط خوبی با خانم معینی داشت و جزو فعال‌ترین اولیای دانش آموزان به‌شمار می‌آمد. به گفته معینی، مادر مجتبی خود را متعهد به همراه دانش آموزان می‌دانست و مانند چراغی مسیر زندگی را برای آنان روشن می‌کرد و به نماد واقعی ایمان و ایثار تبدیل شده بود.

معینی درباره مادر مجتبی این‌گونه گفت: «خانم عبادی، مادر شهید مجتبی

می‌کنند؟ این آب‌ها به‌سرعت تبخیر می‌شود و عملاً هیچ کارایی ای ندارند. اما هیچ رویکرد اصلاحی یا تغییری در این زمینه مشاهده نمی‌شود. درحالی‌که منظر خشک (یعنی فضای سبز بدون چمن، بدون پوشش سبز پر مصرف) خودش یکی از روش‌هایی است که مصرف‌کننده را به کاهش مصرف ترغیب می‌کند.»

این پژوهشگر حوزه دیپلماسی آب افزود: «وقتی یک شهر وند در شهر حرکت می‌کند و می‌بیند چمن‌های سبز همه به خاک خشک تبدیل شده‌اند، ناخودآگاه احساس کمبود آب و بحران پیدا می‌کند. این مسئله راهی جز این ندارد. کسی نگفته که باید درختان را خشک‌کند؛ کسی نگفته که درختان خیابان ولی عصر را از بین ببرند. اما مثلاً پارک ساعی دیگر نباید چمن داشته باشد. با این وضعیت منابع آبی، نمی‌توانیم مثل قبل عمل کنیم. اگر روزی شرایط پرابی مجددآ تجربه شد، آن‌وقت می‌توان چمن را احیا کرد. اما همان‌طور که گفتم، احساس «روز صفر» هنوز در سطح حکمرانی شکل نگرفته است. این جمله «بحران آب وجود دارد» دیگر هیچ مفهومی برای مردم ندارد. باید تیرها عوض شوند، روش‌های اطلاع‌رسانی تغییر کنند.»
فصیحی‌هرندی عنوان کرد: «در هر صورت، ما هشت هفته بحرانی در پیش داریم، تا پایان شش‌هویه که سال آبی تمام می‌شود. این وضعیت باید مدیریت‌شود؛ راه‌حل دیگری نداریم و باید به پیامدهای اجتماعی و امنیتی این بحران نیز توجه کنیم. ممنوعیت آبیاری فضای سبز با آب زیرزمینی بسیار مهم است. همچنین هادیت بودجه‌ها به سمت «مدیریت تقاضا» و نه فقط تأمین مسئله آب حیاتی است. هنوز مدیریت تقاضا برای آب در بسیاری از نقاط از جمله تهران جدی گرفته نشده است.»

در تهران ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب به حساب نیامده داریم

وی افزود: «فقط در شهر تهران، سالانه حدود ۲۵۰ میلیون متر مکعب آب به‌حساب نیامده» داریم. یعنی آبی که وارد شبکه‌شده، ولی درآمدی از آن حاصل نشده است؛ یا به‌خاطر فرسودگی تجهیزات، یا هدررفت فیزیکی در شبکه، یا سرقت آب، یا تعرفه‌هایی که عملاً صفرند. این چهار عامل اصلی «آب به‌حساب نیامده» هستند. مدیریت این موضوع هم حیاتی است. اگر بخشی از این آب به شبکه برگردد، بخشی از آن درآمد شرکت آب‌وفاضلاب می‌شود که می‌تواند صرف تعمیرات و نوسازی تجهیزات شود و بخش دیگری باعث کاهش مصرف کل می‌شود. یعنی عملاً ظرفیت تولید آب ما بالا می‌رود. میزان آب به‌حساب نیامده در تهران ۲۵۰ میلیون متر مکعب است، درحالی‌که حجم آب پروژه انتقال از تونل لار (۱۵۰ میلیون متر مکعب) است. در بسیاری از شهرهای کشور این وضعیت مشابه یا بدتر است؛ در برخی شهرها، آب به‌حساب نیامده به ۵۰ درصد هم می‌رسد. در بعضی منطقه‌های شبکه تهران هم همین‌طور است. باید به این موضوع توجه جدی کنیم تا بتوانیم از این بحران با سلامت عبور کنیم.»

شیرینی بودند. بسیار خون‌گرم بودند. مادر مجتبی در تمام فعالیت‌هایی که در مدرسه انجام می‌شد و در تمام مناسبت‌ها حضور داشتند. همان ابتدای سال از من خواسته بودند که در فعالیت‌های مدرسه‌ای به من کمک کنند، برای همین در فعالیت‌ها مشارکت داشتند و در تربیت کلاس نیز کمک می‌کردند. حتی برخی از معلمان می‌گفتند او در سال‌های گذشته نیز فعالیت قابل توجهی در امور مدرسه داشته است. او یکی از خانم‌های فعال در مدرسه بودند که نه‌تنها تربیت فرزندش را به‌خوبی انجام داده، بلکه در مناسبت‌ها و فعالیت‌های مدرسه نیز به‌صورت خودجوش شرکت می‌کردند و برای دانش آموزان پذیرایی ساده‌ای تدارک می‌دیدند. حتی در بعضی از مناسبت‌های مذهبی به کلاس سوم می‌آمدند؛ اگر جشن بود مولودی‌خوانی می‌کردند و اگر شهادت بود، می‌آمدند و برای دانش آموزان نوحه‌خوانی می‌کردند. در پایان مراسم نیز یک پذیرایی بسیار ساده (که بنده شهادت می‌دهم از ته دل بود) بین بچه‌ها پخش می‌کردند. مادر مجتبی به نظر بنده نماد واقعی ایمان و ایثار بودند؛ مادری که برای فرزندانش چیزی کم نگذاشته بود، همواره با کادر مدرسه هماهنگ و همراه بود و بدون آنکه کسی از او بخواهد، این فعالیت‌ها را برای بچه‌ها انجام می‌داد. او یک چراغ روشن برای بچه‌ها بود که ارزش‌های دینی را برای‌شان روشن می‌کرد.»

از خون مجتبی نمی‌گذریم

خون‌هایی که ریخته‌شدد، خون فرزندان ایران بود؛ از هر قشر و جناحی، از هر نژاد و قومی، در این جنگ خون دادند. خون‌ها در هم آمیخت و روح همدلی و اتحاد در جامعه ما شکل گرفت.

مینا معینی از فراموش نکردن و انتقال راه و رسم این خون‌های پاک سخن گفت: «اولین چیزی که به اظرافانم گفت، این بود که مجتبی یکی از بچه‌های این ملت بود که بدون هیچ‌دلیلی، بی‌گناه قربانی خشونت‌دشمن شد. مجتبی اوقعاً آرزوهایی داشت برای خود و خانواده‌اش. او می‌خواست درس بخواند، سرافراز خانواده‌اش شود و به نقاط درخشانی برسد. حتی در دفترش نیز نوشته بود که علاقه‌مند است در آینده چه شغلی داشته باشد. با این حال، با این اتفاق همه این آرزوها خاموش شد. صدای او نیز خاموش شد. اما من بارها گفته‌ام؛ تا زمانی که در این ساختار آموزش و پرورش باشیم، به‌عنوان یک مادر، به‌عنوان یک معلم، نمی‌گذارم هرگز صدای او و خانواده‌اش خاموش شود. من این اتفاق را تبدیل می‌کنم به آواهایی از حقیقت و آگاهی برای نسل‌های آینده، به‌خصوص برای بچه‌های خودم؛ برای دانش آموزانی که در سال‌های آینده کنارم می‌آیند.»

خاطره مجتبی را تا وقتی هستیم زنده نگه می‌دارم

او در ادامه افزود: «در شش‌عاشورای حسینی، خواب شهید مجتبی شریفی را دیدم. به همین جهت، از روز عاشورا تاربعین حسینی نذر کرده‌ام که روزانه یکی زیارت عاشورا برای آرامش خاطر مجتبی و خانواده‌شان قرائت کنم. بر اساس خوابی که در شب عاشورا دیدم؛ و دقیقاً احساس کردم این یک خواب معمولی نبود، بلکه یادآوری بود تا هیچ‌وقت یاد و خاطره مجتبی و خانواده‌اش را فراموش نکنم. تصمیم گرفتم به هر نحو که شده، در تربیت نسل‌های آینده، یاد مجتبی را زنده نگه‌دارم. شبی که این خواب را دیدم، یک تلنگر بود برایم. بی‌شک تا زمانی‌که در سیستم آموزش و پرورش باشیم، برای تربیت نسل‌های آینده، یادو خاطره مجتبی را زنده نگه می‌دارم و خواهم گفت که در کلاس سوم، دانش آموزی به اسم مجتبی داشتم که شخصیتی پر از انرژی و هیجان بود؛ شخصیتی که به‌دلیل تحصیل بود، اما متأسفانه قربانی چنین خشونتی شد. از بیان جزئیات خواب معذومم؛ از من خواسته شد تا این خواب را توضیح ندهم.»